

به نام خدا

# فلسفه آموزش و روش بهسازی پژوهش

مولفان :

فاطمه رجبی

میترا قصری تبار

ژاله طهماسبی فرد

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

[chaponashr.ir](http://chaponashr.ir)

سرشناسه: رجیبی، فاطمه، ۱۳۷۷ تیر -  
عنوان و نام پدیدآور: فلسفه آموزش و روش بهسازی پژوهش / مولفان فاطمه رجیبی، میترا  
قصری تبار، ژاله طهماسبی فرد.  
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۱۴۷ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۳۸۷-۷  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۴۱] - ۱۴۷.  
موضوع: آموزش و پرورش -- فلسفه  
آموزش و پرورش -- نوآوری  
تحقیق -- روش شناسی  
شناسه افزوده: قصری تبار، میترا، ۱۳۶۵ -  
شناسه افزوده: طهماسبی فرد، ژاله، ۱۳۵۷ -  
رده بندی کنگره: LB۱۴/۷  
رده بندی دیویی: ۳۷۰/۱  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۱۶۵۷۲  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

Education -- Philosophy  
Educational innovations  
Research -- Methodology

نام کتاب: فلسفه آموزش و روش بهسازی پژوهش  
مولفان: فاطمه رجیبی - میترا قصری تبار - ژاله طهماسبی فرد  
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲  
چاپ: زبرجد  
قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۳۸۷-۷  
تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۷
مفهوم فلسفه آموزش	۹
آموزش چیست؟	۱۲
برخی از تعاریف آموزش	۱۲
مبانی و اصول فلسفه آموزش و پرورش	۱۳
اصول فلسفه آموزش و پرورش	۱۵
کارکردهای آموزش و پرورش	۲۳
- نگرش کلی نهاد آموزش و پرورش	۲۳
- انتقال فرهنگ توسط آموزش و پرورش	۲۳
- نقش آموزش و پرورش در جامعه پذیری افراد	۲۴
- گزینش و تخصیص	۲۴
- نظارت اجتماعی	۲۴
- یگانگی اجتماعی	۲۴
- نوآوری با آموزش و پرورش	۲۵
- پرورش و رشد شخصی	۲۵
- کارکرد سرمایه گذاری آموزش و پرورش	۲۵
- پرورش سیاسی	۲۶
عصر جدید، آموزش جدید	۲۶

- ۲۷..... فلسفه ی جدید آموزش و پرورش و ضرورت تغییر اساسی
- ۳۸..... ویژگی های نظام آموزشی سازگار با توسعه ی انسانی
- ۴۹..... آموزش و پرورش ، چگونه می تواند توسعه را سرعت ببخشد؟
- ۵۱..... تأثیر فلسفه آموزش و پرورش بر مقوله پژوهش
- ۵۸..... جایگاه پژوهش در آموزش و پرورش
- ۶۵..... فقدان فرهنگ پژوهش و تحقیق
- ۶۷..... تأثیرگذاری پژوهش در فرایند بهبود توسعه در نظام آموزشی
- ۶۸..... راهبردهای پیشنهادی جهت بالا بردن کیفیت و بهسازی پژوهش
- ۷۱..... فلسفه پژوهش و انواع آن
- ۷۳..... ضرورت توجه به نقش پژوهش در کلیه مقاطع تحصیلی
- ۷۷..... مولفه ها و شاخص های بهسازی پژوهش در نظام آموزش ایران
- ۸۶..... راهکارهایی برای کاهش سرقت علمی در پژوهشی
- ۹۰..... فواید بهره گیری از تکنولوژی در پژوهش های علمی
- ۱۲۰..... شاخص های بهسازی کیفیت پژوهش در نظام آموزش عالی
- ۱۳۰..... عوامل بی میلی به پژوهش
- ۱۳۳..... عوامل سستی در پژوهش
- ۱۳۴..... عوامل احساس سرگردانی و بلا تکلیفی در پژوهش
- ۱۳۴..... عوامل احساس ناامیدی و بی ثمری
- ۱۳۶..... عوامل نشاط و تحرک در پژوهش

عوامل فرار از تفکر و تعمق ..... ۱۳۸

نقش موسسات تحقیقاتی در انگیزه پژوهش ..... ۱۳۹

منابع ..... ۱۴۱



## مقدمه

آموزش و فلسفه، ارتباطی نزدیک و تنگاتنگ با یکدیگر دارند و در برخی مسائل به هم‌پوشانی می‌رسند. معمولاً گفته می‌شود: «فلسفه و آموزش و پرورش دو روی یک سکه‌اند.» آموزش سمت پویای فلسفه است. یکی بدون دیگری ناقص است. هنر آموزش بدون فلسفه کامل نمی‌شود و فلسفه بدون آموزش نمی‌تواند دیگران را به سوی اهداف و ارزش‌هایش هدایت کند. چنان تعاملی میان این دو وجود دارد که هر یک بدون دیگری، قادر به هیچ کارکردی نیست.»

بر آموزش صرفاً ابزاری برای کسب معاش نیست، بلکه مهد تفکر و مدرسه‌ای برای بهینه‌سازی فرهنگ شهروندی است. افزون بر آن آموزش آغاز زندگی معنوی، تربیت روح بشر در پیگیری حقیقت و تمرین پاکدامنی است.

ارتباط اساسی بین فلسفه و آموزش را می‌توان به صورت زیر تحلیل کرد

فلسفه مقصد و هدف را تعیین می‌کند و آموزش آن را به مرحله‌ی ظهور می‌رساند.

آموزش و پرورش، عملی در طبیعت است و فلسفه، علمی نظری است و روشن است که نظر و عمل یکسان هستند. مربی کسی است که با واقعیات زندگی سرو کار دارد و با نظریه‌پردازی که بر صندلی می‌نشیند و به حدس و گمان مشغول است، متفاوت است. اما مشاهده تفسیرهای مختلف فلسفه ثابت می‌کند که این دو یک چیزند که از زوایای مختلف دیده شده‌اند. فلسفه مطالعه واقعیات و پیگیری خرد است. این یک نظریه صرف نیست، بلکه مسأله‌ای است که به طور طبیعی برای هر فردی پیش می‌آید. یک فیلسوف، شخصی

است که در دلایل و ماهیت اشیا تعمق می‌کند و می‌کوشد با نگاه به کاربرد آنها در زندگی روزانه به اصول عام و معینی دست یابد.

فلسفه روشی برای زندگی است. در معنایی وسیع‌تر، روشی است برای نگاه کردن به زندگی، طبیعت و حقیقت. فلسفه آرمان‌هایی را برای ما رسم می‌کند تا در زندگی به سوی آنها برویم.

از سوی دیگر، آموزش سمت پویای فلسفه و جنبه فعال و ابزار عملی تحقق آرمان‌های زندگی است. آموزش هم از لحاظ زیستی و هم از دیدگاه جامعه‌شناسی یک نیاز مقدس است. اینکه آموزش شبیه یک محرک برای زندگی بهتر و مطلوب عمل می‌کند، درست است. چنانکه یک گلدان از خاک رس شکل می‌گیرد و یک محصول از ماده اولیه ساخته می‌شود، کودک بی تجربه و نابالغ هم در ظرف آموزش به شهروندی متمدن تبدیل می‌شود. آموزش ساختار اجتماعی را در الگوی آرمان‌های فلسفی نوسازی و بازسازی می‌کند. بشر با گرایش‌هایی که به ارث برده است، مسیر حرکت خود را تعیین می‌کند؛ اما آموزش راه را برای موفقیت او در زندگی هموار می‌سازد.

بنابراین فلسفه با مقاصد و آموزش با روش‌ها سر و کار دارد. در واقع می‌توان گفت فیلسوفان بزرگ، همواره مربیان بزرگی هم بوده‌اند. برای مثال سقراط و افلاطون هم فیلسوفانی بزرگ بودند و هم مربیانی زبردست. اگر معلمی نتواند رابطه میان فلسفه و آموزش را دریابد، به معنای واقعی کلمه معلم نیست. به گفته تامسون، هر معلم باید به اهمیت فلسفه در آموزش پی ببرد.

بنابراین فلسفه شایسته، نه تنها نوع تفکری را که جامعه به نیاز دارد، بیان می‌کند، بلکه به معلمان انگیزه و قدرت تکاپو می‌دهد. یک معلم حقیقی، علاوه بردانش، باید شعور اخلاقی و اجتماعی برآمده فلسفه را نیز داشته باشد تا بتواند در تعلیم موفق باشد.

گزینش شاگردان باید مطابق اصول و مناسب مقاصد فلسفه انجام گیرد. انتخاب برنامه درسی، نیاز به فیلسوفان و رهبران فکری دارد. همچنین همراه با تغییر زمان و شرایط، برنامه آموزشی باید تغییر کند و فیلسوفان می‌توانند سرچشمه این تغییرات باشند.



اما شرایط تغییر و تربیت، باید طوری فراهم شود که به کودک اجازه رفتن به فضای آزاد داده شود با این هدف نهایی که به فردی شاد و تعادل اجتماعی تبدیل شود. از این رو برنامه‌های درسی در مدارس باید بر حقایق زندگی فردی و جمعی متمرکز باشد.

تا آنجا که به روش‌های آموزش مربوط می‌شود، می‌توان گفت کودک از روش‌های آموزشی، تأثیر می‌پذیرد و از این رهگذر به زندگی اش شکل خاصی می‌دهد. فلسفه معلم از طریق روش آموزش او، در دانش آموز بازتاب می‌یابد و بدین رو قطعاً مسیر زندگی دانش آموز تحت تأثیر فلسفه قرار می‌گیرد. در مدرسه معلم و شاگرد با کلمات و مفاهیم مختلف، با نظریات علمی، با اعتقادات اخلاقی، با افکار، عقاید متداول در جامعه، با قضاوت‌های تاریخی و امور اجتماعی سروکار دارند، آشنایی به فعالیت‌های فلسفی مثل تحلیل مفاهیم و افکار، ارزیابی نظریات، ارتباط دادن عقاید در یک زمینه منطقی، سیر عقلانی، تفسیر عقاید و چگونگی ارزشها برای معلم و شاگرد مفید می‌باشد.

## مفهوم فلسفه آموزش

مسئله آموزش طی قرن‌های متمادی ذهن فلاسفه را به خود مشغول داشته‌است: به عقیده برخی معلمی از نظر قدمت دومین پیشه انسان‌ها بوده‌است. هیچ جامعه‌ای وجود نداشته که اهمیت و مرکزیت آموزش را رد کند زیرا شکی نیست که کودکان بی‌سواد، نادان و نامطلع از فرهنگ جامعه‌شان به دنیا می‌آیند. برخی از کودکان در یادگیری مهارت‌ها، امکانات یا توانایی بیشتری دارند و این امر در قرار گرفتن فرد در طبقه اجتماعی و میزان درآمد وی تأثیر فراوان دارد. یادگیری همچنین به کودکان این قابلیت را می‌دهد که به صورت مستقل به سمت اهداف مورد نظرشان حرکت کنند و همچنین هویت ویژه‌ای در جامعه داشته باشند.

در باره مفهوم فلسفه آموزش، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها را ارائه می‌کنیم.

نیوسام (۱۹۵۶) دیدگاه‌های رایج در تعریف فلسفه آموزش را در سه طبقه به شرح ذیل طبقه بندی کرده است:

۱- فلسفه آموزش و پرورش به صورت دیدگاه درباره آموزش و پرورش.

۲. فلسفه آموزش و پرورش به صورت کاربرد فلسفه در آموزش و پرورش

۳. فلسفه به صورت نظریه عمومی آموزش و پرورش.

وی دیدگاه دوم را عمومی‌ترین دیدگاه می‌خواند و رویکرد استنتاج نکته‌های تربیتی از فلسفه‌های نظام دار را هم در همین دیدگاه تلقی می‌کند.

ویلیام فرانکنا (۱۹۵۶) بعد از تقسیم بندی فعالیت‌های فلسفی در سه بخش فلسفه نظری، فلسفه هنجاری و فلسفه تحلیلی از سه نوع فلسفه آموزش و پرورش نظری، هنجاری و تحلیلی سخن به میان می‌آورد. به اعتقاد وی:

فلسفه آموزش و پرورش نظری در جست‌وجوی فرضیه‌هایی درباره انسان و جهان است که با فرایند آموزش و پرورش ارتباط دارد. فلسفه آموزش هنجاری، اهداف لازم التحقق و اصول لازم الاتباع را در فرایند تربیت انسان‌ها مشخص و توصیه‌هایی را در باب وسایل دستیابی به این اهداف عرضه می‌کند. و فلسفه آموزش تحلیلی در پی ایضاح مفاهیم بسیار مهم است. از این سه، فلسفه‌های آموزشی نظری و هنجاری به فلسفه فرایند آموزش و پرورش، و فلسفه آموزش تحلیلی به فلسفه رشته آموزش و پرورش تعلق دارد.

کینگسلی پرایس (۱۹۵۶) بعد از تقسیم‌بندی فلسفه آموزش و پرورش به چهار شاخه فرعی: تحلیل آموزش و پرورش، متافیزیک آموزش و پرورش، اخلاق آموزش و پرورش، و معرفت‌شناسی آموزش و پرورش، این تعریف را از فلسفه آموزش و پرورش عرضه می‌دارد: بررسی تحلیلی آموزش و پرورش، همراه با کوشش برای ارتباط دادن آن به شیوه‌ای خاص با متافیزیک، اخلاق و معرفت‌شناسی.

به اعتقاد وی، تحلیل آموزش و پرورش یعنی «روشنگری واژه‌های مورد نیاز در آموزش و پرورش». متافیزیک آموزش و پرورش، یعنی «تبیین واقعیت‌هایی که به وسیله آموزش

و پرورش بیان می‌شود». اخلاق آموزش و پرورش، یعنی «توجیه و تصحیح توصیه‌های اخلاقی در آموزش و پرورش». و معرفت‌شناسی آموزش و پرورش، یعنی «معرفی و تبیین معیارهای لازم برای کسب معرفت».

فیلیپ اسمیت (۱۹۶۵) در تبیین و تشریح مفهوم فلسفه آموزش و پرورش از چهار گونه ترکیب سخن به میان می‌آورد: فلسفه و آموزش و پرورش، فلسفه در آموزش و پرورش، فلسفه برای آموزش و پرورش، و فلسفه آموزش و پرورش.

فلسفه و آموزش و پرورش، دربردارنده این مفهوم است که فلسفه به صورت دانشی که از ماهیت واقعیت، معرفت و ارزش سخن می‌گوید، با آموزش پرورش روابط آشکاری دارد. به دیگر سخن، می‌توان از مکاتب و نظام‌های فلسفی گوناگون، دیدگاه و طرح‌های تربیتی مختلفی را استنتاج کرد.

فلسفه در آموزش و پرورش یعنی کاربرد تفکر فلسفی یا فلسفیدن در آموزش و پرورش. فلسفه برای تعلیم و تربیت، یعنی تلاش برای تهیه طرح‌های ویژه‌ای جهت عمل و سیاست تربیتی و نیز تحلیل مسائل تربیتی و سرانجام، فلسفه آموزش و پرورش عبارت است از تجزیه آموزش و پرورش به مهم‌ترین ابعاد آن به صورت شالوده‌ای برای تدوین نظریه آموزشی.

می‌توان در یک نتیجه‌گیری کلی در سه سطح از مفهوم یا ماهیت فلسفه آموزش سخن گفت: «سطح پیش استنتاجی»، «سطح استنتاجی»، و «سطح پسا استنتاجی».

این سه سطح در عرض یک‌دیگر نیستند؛ بلکه در طول یک‌دیگرند و به اصطلاح، به یکدیگر ترتب دارند.

- فلسفه آموزش و پرورش در سطح پیش استنتاجی، چیزی جز بازیافت، گردآوری، تنظیم و تدوین دیدگاه‌هایی که فیلسوفان (اعم از متقدم و متأخر) در باب آموزش و پرورش مطرح کرده‌اند نیست. فلسفه آموزش و پرورش در این سطح، ملازمه‌ای با خلق و ابداع ندارد؛ جز در حد باز نمودی تازه و هنرمندانه از آنچه پیش‌تر آفریده شده است. فلسفه آموزش و

پرورش در این مرتبه، جوهره و هویتی تاریخی دارد و به ارائه مجدد و تألیف دوباره دیدگاه‌های فیلسوفان محض ناظر است.

- فلسفه آموزش و پرورش در سطح استنتاجی، کوشش فکری منظم، منطقی و قاعده‌مند است. فیلسوف آموزش و پرورش برای کشف و استنتاج دیدگاه‌های تربیتی در سه حوزه اهداف، برنامه‌ها و روش‌های تربیتی، از اندیشه‌های فلسفی سه قلمرو معرفت‌شناسی، وجود‌شناسی و ارزش‌شناسی استفاده می‌کند.

- فلسفه آموزش و پرورش در سطح پسااستنتاجی، یعنی خلق و ابداع مبانی فلسفی نو و اندیشه‌ها و دیدگاه‌های تربیتی متناسب با آن می‌باشد.

به‌طور خلاصه، فلسفه آموزش و پرورش، به لحاظ معرفت‌شناختی، یکی از علوم فلسفی مضاف است که با روش عقلانی به تبیین و اثبات مبادی تصویری و تصدیقی تعلیم و تربیت می‌پردازد.

## آموزش چیست؟

فرایند تسهیل یادگیری، یا کسب دانش، مهارت، ارزش، اخلاق، اعتقادات و عادت‌ها است. روش‌های آموزش شامل تدریس، آموزش عملی، داستان‌گویی، بحث و پژوهش هدایت شده است. آموزش غالباً تحت راهنمایی مربیان انجام می‌شود، اما فراگیران می‌توانند خود را نیز آموزش دهند. آموزش می‌تواند در شرایط رسمی یا غیررسمی انجام شود و هر تجربه‌ای که تأثیر شکل‌دهی بر نحوه اندیشه، احساس یا عمل فرد داشته باشد، می‌تواند نوعی آموزش تلقی شود. متودولوژی تدریس را تعلیم و تربیت می‌نامند. آموزش رسمی به‌طور کلی به‌طور رسمی به مراحل زیر تقسیم می‌شود: پیش‌دبستانی یا مهدکودک، دبستان، دبیرستان و سپس دانشگاه، کالج یا کارآموزی

## برخی از تعاریف آموزش

- آموزش و پرورش عبارت است از «فرایند هدایت و جهت‌دهی عمدی به تجارب انسانی».

- آموزش و پرورش مجموعه منظمی از اعمال و رفتار است؛ به بیان دیگر آموزش و پرورش فعل و انفعالی است میان دو قطب سیال (معلم و دانش آموز) که مسبوق به اصل و متوجه هدف و مستلزم برنامه است.

- آموزش، دوباره ساختن یا سازمان دادن تجربه است، به منظور اینکه معنای تجربه گسترش پیدا کند و برای هدایت و کنترل تجربیات بعدی، فرد را بهتر قادر سازد.

- آموزش، هنر یا فنی است که به صورت راهنمایی یا حمایت نیروهای طبیعی و استعدادهای فراگیر (مربی) و با رعایت قوانین رشد طبیعی و با همکاری خود او برای زیستن تحقق می‌پذیرد.

## مبانی و اصول فلسفه آموزش و پرورش

اصول و مبانی آموزش و پرورش، قواعد، مفاهیم کلی و تکیه‌گاه‌های نظری هستند که با توجه به آن‌ها، را خود را به سوی اهداف مورد نظر سوق می‌دهیم، بنابراین، اصول آموزش و پرورش، تعیین‌کننده روش‌های آموزشی و اهداف می‌باشند

خصوصیات اصول و مبانی فلسفه آموزش و پرورش عبارتند از:

۱- اصول نسبی هستند، نه مطلق: اصول مطلق، اصولی هستند که در همه شرایط و مکان‌ها قابل استفاده می‌باشند. اصول آموزش پرورش، مطلق نیستند، یعنی در همه شرایط، زمان‌ها و مکان‌ها مصداق ندارند، مانند اصل آزادی و اصل فعالیت نسبی. بنابراین، مقطع سنی و تحصیلی و شرایط و موقعیت‌های دانش‌آموزان، تعیین‌کننده این اصول می‌باشند.

۲- اصول موضوعه هستند، نه متعارفه: این اصل، در علوم دیگر اثبات و در تعلیم و تربیت، به کار گرفته می‌شود. اصول متعارفه، اصولی هستند که در همان علم، اثبات و به کار گرفته می‌شوند. علوم تربیتی یک علم کاربردی است و مبانی نظری آن توسط علوم دیگر، به ویژه روانشناسی، به دست می‌آید. مبانی نظری آن هم شامل روانشناسی رشد تربیتی است. روانشناسی، تحقیقاتی بین‌پدیده‌ها انجام می‌دهد (برای مثال، روابطی بین انگیزه

های پیشرفت تحصیلی دانش آموز به وجود می آورد). این اصول بر اساس یافته های روانشناسی، در تعلیم و تربیت شکل می گیرد. روانشناسی و تعلیم و تربیت، ارتباط بسیار نزدیکی با هم دارند. اولی علم محض و دومی کاربردی است. در حقیقت، روانشناسی نظریات را مطرح می کند و علوم تربیتی، مبانی نظری را در محیط تربیتی به کار می برد. روانشناسی به یکسری قوانین دست یافته که کاربرد و موارد استفاده آن، در تعلیم و تربیت است. برای مثال، نظریه گشتالت در روانشناسی یادگیری، ارتباط جزء و کل را مطرح کرده است. بر اساس این نظریه، هر چه موضوعات درسی در یک کل منسجم و بافت و زمینه کلی تری به دانش آموزان ارائه شود، میزان درک دانش آموز و یادگیری معنادار وی از موضوع، بیشتر خواهد بود. دانش آموز هر چه بیشتر بتواند، بین مطالب ارتباط برقرار کند، جزء را به کل ربط دهد و بین اجزاء پیوند برقرار کند، بهتر می تواند مطالب را یاد بگیرد. در این صورت، این مطالب قابلیت انتقال بیشتری به محیط خارج از کلاس خواهند داشت.

۳- اصول کشف کردنی هستند، نه وضع کردنی: اصول را باید بر اساس قوای یادگیری، ماهیت انسان، استعداد و نیازهای دانش آموزان، کشف کرد. اصول آموزش و پرورش، فعالیت، کمال، تناسب عمل با وضع، تفرد، آزادی و اجتماع می باشند. اصل فعالیت، بیانگر این است که فرد به حالات، علائق و نیازهای فعلی خود توجه کند. به عبارت دیگر، این اصل به وضعیت فعلی کودک نظارت می کند. اصل کمال، به آینده کودک ناظر است و مدافع منافع آینده کودک می باشد. شاید در ظاهر، بین دو اصل فوق تناقض وجود داشته باشد، اما این تناقض، واقعی نبوده و توجه به وضعیت فعلی، نیازها و علائق کودک، در حقیقت تضمین کننده آینده او می باشد. نکته مهم این است که در صورت توازن و تعادل بین اجرای اصول و شرایط، این تناقض ها قابل حل هستند. زیرا اصول، نسبی بوده و چنانچه معلمان بتوانند، این دو را با هم ترکیب کنند، مسائل به درجات مختلف حل شدنی می باشند. به عبارت دیگر، در اینجا مسأله نیاز سنجی مطرح می شود. در مقاطع مختلف تحصیلی، باید نیازهای فرد و جامعه را مشخص کرد و اهداف و محتوای تعلیم و تربیت را بر اساس آنها پایه ریزی نمود. هنگامی که بحث نیازها مطرح می شود، نیازهای تعلیم و تربیت، مانند طراحی برنامه ریزی آموزش پیش دبستانی و دبستانی، در اولویت

قرار می گیرند. تمامی مراحل آموزش و پرورش، بر اساس نیازها مشخص می شوند. نیازها در طراحی آموزشی، مانند نیاز به محبت و امنیت عاطفی، از اولویت خاصی برخوردارند. در مبحث نیاز سنجی، باید به تفاوت های فردی توجه خاصی نمود. در تعلیم و تربیت، دو نوع تفاوت وجود دارد: تفاوت های درون فردی (تفاوت هایی که بین استعداد های گوناگون یا جنبه های مختلف یک فرد وجود دارد) و تفاوت های برون فردی (تفاوت هایی که بین افراد مختلف وجود دارد). در دوره پیش دبستانی، توجه به تفاوت های فردی از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد، زیرا در این دوره، روش های آموزشی، حتی المقدور انفرادی هستند. انفرادی، یعنی اینکه محتوا باید متناسب با سرعت یادگیری دانش آموزان باشد. این نوع آموزش، آموزش برنامه ای نام دارد، یعنی آموزش محتوا باید متناسب با میزان و سرعت یادگیری افراد باشد. نوع دیگر آموزش، بر اساس نظریه یادگیری در حد تسلط صورت می گیرد. بر اساس این نظریه، همه دانش آموزان در هر مقطعی قادر به یادگیری مطالب هستند، به شرط اینکه زمان لازم به آنها داده شود. اگر به همه افراد زمان کافی برای یادگیری داده شود، همه می توانند، همه چیز یاد بگیرند و چیزی به نام استعداد وجود ندارد. بلکه استعداد، زمانی است که هر فرد، برای یادگیری مطلب به آن نیاز دارد. یکی در زمان کمتر و دیگری در زمان بیشتری، یک مطلب را یاد می گیرد. به عبارت دیگر، چنانچه با توجه به تفاوت های فردی، زمان لازم را به اشخاص بدهیم، به موضوع درسی خود مسلط خواهند شد. آموزش برنامه ای، بیشتر در مقطع دبیرستان کاربرد دارد و آموزشی است که در آن، محتوای دروس و موضوعات درسی به مراحل تقسیم می شوند.

## اصول فلسفه آموزش و پرورش

### ۱- اصل فعالیت

براساس یافته های جدید زیست شناسی، روان شناسی و جامعه شناسی و پیشوایان مکتب عمل و تجربه انسان ذاتاً موجودی است فعال، که در جریان امور دخالت می کند تا دوام عمل خویش را تضمین نماید و تعادلی که بین او و محیط وجود داشته و به طور موقت بر

هم خورده است را به حالت اولیه خودش برگرداند براساس این اصل از جمله حقوق ابتدایی و مسلم دانش آموز این است که او را راحت بگذارند و به او اجازه بدهند که خود امتحان و آزمایش و تجربه نماید و از نتایج فعالیت خویش برخوردار باشد. بر این اصل هرچه قدر دانش آموز بیشتر به فعالیت پردازد، از حس استقلال و اقدام برخوردار می‌گردد و در زندگی آینده به خود اطمینان پیدا می‌کند و کمتر به دیگران متکی می‌گردد. بنابراین باید به حال و آینده دانش آموز توجه نمود. چرا که برای دانش آموز حال مطرح است نه آینده پس نباید فعالیت او را محدود کنیم.

بنابراین مطلوب این اصل چنین خواهد بود که ضمن این که اجازه می‌دهیم دانش آموز متناسب با خواست و میل خویش حرکت نماید باید سعی نماییم در صورت نیاز زمینه و موقعیتی نیز برای وی جهت فعالیت تدارک ببینیم. به عبارت دیگر مطابق این اصل فراگیران باید در فرآیند یاددهی - یادگیری درگیر شوند و این مستلزم به کارگیری رویکردها و روش‌هایی می‌باشد تا این امر را تحقق ببخشند. اصولاً این امر زمانی اتفاق می‌افتد که در فرآیند یاددهی معلمان:

- دانش‌آموزان را به قبول مسؤولیت یادگیری واقف نمایند.
- دانش‌آموزان را به تفکر وادارند.
- راهبردها و فرصت‌های یادگیری گوناگون در اختیار شاگردان قرار دهند.

## ۲- اصل کمال

برای جلوگیری از افتادن محض دانش‌آموزان به دامن آنیت اصل کمال را مطرح می‌کند و می‌گوید، برنامه‌ی مدرسه و آینده دانش آموز نیز حقوقی دارند که تأمین آنها با پیروی از رغبت‌های آنی دانش‌آموزان میسر نیست. آموزگار علاوه بر هدایت دانش آموز نماینده ارزش‌ها نیز هست. باید شاگردان را در جهت سیر تمدن سوق دهد و اعتبارات تمدنی را در ایشان زنده و سیال سازد و حتی غالباً هم شاید لازم آید که از لذت و سرور آنی طفل صرف‌نظر نماید و طفل را جهت زندگی آینده وی حاضر و آماده سازد.



آنچه از اصل کمال برمی‌آید این است که اولاً توجه به مسائل فرهنگی و آینده شاگرد متولیان تربیت را بر آن می‌دارد که به تدریج آشنایی کودکان با ارزش‌ها را در دستور کار و برنامه خویش باید قرار دهند. ثانیاً از پیروی مطلق و بی‌چون چرای فعالیت‌های کودکان باید خودداری نمود و در نهایت این که باید از محدوده فعالیت‌های کودکان کاست.

مطلوب اصل کمال این است که مربیان و متولیان تربیت باید چنان عمل نمایند که شاگرد ضمن این که به زندگی کششی خویش می‌پردازد نسبت به ارزش‌ها، عقاید، اعتبارات، و خلاصه هرآن چه که مورد قبول و علاقه دیگران و جامعه است علاقه نشان دهند. و از حالت آنیت انسانی دیگر قدم بردارند. به عبارتی تمایلات مطلق طبیعی و جایگزین اهداف عالی و مترقی به جای آن باید مدنظر باشد.

### ۳- اصل آزادی

اصل آزادی در این معنا است که فرد دارای توانمندی‌ها و استعدادهایی در وجود خود است و این از حقوق دانش آموز است که آنها را بالفعل نماید. باید به او این اجازه داده شود که این استعدادها را شکوفا نماید. از این‌رو است که می‌گوید: «دانستن تنها در زندگی کافی نیست و توانستن و به کار بستن نیز لازم است برای نیل به پرورش واقعی باید طفل امروز و آدم بالغ فردا بتواند آن‌چه را خوب و پسندیده می‌داند تحقق دهد و از قوه و استعداد در طفل موجود است و این امر یک از حقوق شاگرد است که در مدرسه باید تأمین شود». مثلاً هر شاگرد به اموری مانند بریدن چوب و ... که مورد علاقه و رغبت وی است بپردازد و از هیچ کوششی خودداری نکند.

اگر این اصل را بخواهیم در مدارس امروز تعمیم دهیم باید بگویم که در مدارس باید شرایطی به وجود آید که کودکان با استفاده از ابزارهای مختلف آموزشی، امکانات مدرسه، کامپیوتر و ... در شکوفا کردن استعدادهای خود تلاش کنند.

مطلوب این اصل این است که شاگرد «خودکار» بار آید. و خود بتواند از این راه به، بالفعل کردن استعدادهای خود اقدام نماید.

#### ۴- اصل سندیت

آزاد گذاشتن دانش آموز در بهره‌گیری از ابزارها و امکانات مدرسه برای او کافی نیست. بلکه باید در قالب برنامه‌ها و اهداف مدرسه عمل نمائید تا شایستگی ارتقاء به کلاس بالاتر را به دست آورد و از پس امتحانات و ... برآید. به عبارتی در اصل سندیت عبور از مراحل مختلف، ارزشیابی، امتحان و... کسب موفقیت موردنظر است.

از طرفی تمرینات مدرسه‌ای عامل سندیت و اعتبار می‌باشد و آن‌ها برای تقویت نیروهای جسمانی و نفسانی و ایجاد عادات پسندیده در دانش آموز لازم می‌باشد..

مطلوب اصل سندیت در این است که رغبت‌ها و امیال شاگردان به تنهایی مبنای عمل قرار نگیرد. بلکه توجه به اهداف و برنامه‌های مدرسه و گذر از آنها که در راستای رشد دادن شاگردان تنظیم شده‌اند نیز باید موردنظر باشند که رعایت آنها اثربخشی این اصل را ضمانت می‌نمایند. این قواعد عبارتند از:

- اعمال اصل سندیت باید صادقانه و از سر اخلاص و حسن نیت باشد.

- اعمال اصل سندیت باید توأم با حس احترام باشد.

- اعمال اصل سندیت باید مانع فعالیت آزاد کودک نشود.

- اعمال اصل سندیت باید با توجه به میزان آمادگی کودک باشد.

#### ۵- اصل تفرد

طبق این اصل هر فردی از افراد حق دارد برای برنامه زندگی خویش اقدام نماید و طرحی با توجه به امیال و جهت سیر طبیعی احتیاجات خویش طراحی نماید و در برآوردن تمایلات شخصی و تأمین منافع خود تلاش کند مطلوب این است که به رغبت‌های شاگردان توجه گردد. اما این توجه باید به گونه‌ای باشد که حیات جمعی را به خطر نیندازد. و این اتفاق موقعی می‌افتد که هر فرد بخواهد مطابق با میل و منافع فردی خویش عمل نمایند.

## ۶- اصل اجتماع

نظریه این که فرد به تنهایی قادر به ادامه حیات نیست و در نتیجه اجتماع شکل می‌گیرد و در اجتماع نیز نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات مختلف مسؤول ایجاد نظم اجتماعی و بقاء حیات جمعی محسوب می‌گردند و موفقیت آنها در این است که افراد از آنها تبعیت نمایند و دستورات عمل‌های آنها مدنظر قرار دهند.

مطلوب اصل این است که اولاً به عنوان نماینده اجتماع این حس را در میان شاگردان طرح و تقویت نمایند و آنها را با زندگی جمعی آشنا نمایند.

ثانیاً افراد گذشت داشته باشند و به خواست اجتماع تن دهند.

ثالثاً افراد منافع جمع را بر منافع فردی ترجیح دهند.

## ۷- اصل ادامه یا پیوستگی

اصل ادامه موردنظر دیویی بر عادت متکی است. وی در این خصوص می‌نویسد: «وقتی که عادت از نظر زیست‌شناختی تفسیر گردد. این اصل اساساً بر واقعیت عادت متکی است».

از این نظر اصل تداوم تجربه بدین معنی است که هر تجربه‌ای هم از تجارب قبل بهره می‌گیرد و هم کیفیت تجارب بعدی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. از آنجا که تجربه صرفاً در درون فرد و در خلأ شکل نمی‌گیرد و در محیط اطراف فرد منابعی وجود دارد که باعث پدید آمدن تجربه می‌گردند که مدرسه باید آنها را متناسب با تجربیات قبلی شاگردان نموده و موجبات رشد آنها را در زمینه‌های مختلف تجربی فراهم آورد. بدون شک تجربیاتی که این خصوصیت را داشته باشند دارای اثرات تربیتی مناسب بود و تجربه آموزشی محسوب خواهند گردید.

## ۸- اصل تأثیر متقابل

اصل تأثیر متقابل به این نکته می‌پردازد که برای آن که تجربه‌ای توسط دانش آموز شکل بگیرد هماهنگی و درنظر گرفتن دو عامل یعنی شرایط عینی (محیطی) و درونی لازم

می‌باشد. اگر آنها را با هم یا در حالت تأثیر متقابل در نظر بگیریم آن چه را که ما موقعیت می‌نامیم به وجود می‌آید. منظور از شرایط عینی یا محیطی آنهایی است که تنظیم شان در حیطه قدرت مربی است. منظور از شرایط درونی به ویژگی‌های فردی، ژنتیکی، توانایی‌ها، استعدادهای شاگردان می‌باشد که مربی نمی‌تواند در آنها دخل و تصرف کند.

بنابر آن چه که گذشت جهت تحقق اصل تأثیر متقابل متولیان تربیت به خصوص مربیان، مدیران مدارس باید ضمن شناخت از ویژگی‌ها، بهره هوشی، استعدادها، توانمندی‌ها، علایق و تجربیات تک‌تک شاگردان و به وجود آوردن امکانات و زمینه مسأله منطبق با هر فرد موجبات کسب تجربه جدید را برای شاگردان فراهم آورند و آنان را یک گام به جلو برانند.

## ۹- اصل کنترل اجتماعی

بحث کنترل اجتماعی و اعمال این فکر و اندیشه از آن جا سرچشمه می‌گیرد که: افراد یک جامعه تنها برای خود تربیت نمی‌شوند و تنها برای خود زندگی نمی‌کنند و در جایی زندگی می‌کنند که روزه روز ارتباط بیشتری با دیگران دارند. آنها باید از امکانات محیط و جامعه استفاده کنند، جامعه نیز باید از توان آن‌ها بهره‌گیری نماید. در این صورت بقای هر دو تضمین می‌گردد. وجود حالت بی‌تفاوتی در گروهی از افراد نسبت به مسائل جامعه را می‌توان نتیجه کم توجهی معلمان آن‌ها به این امر دانست کنترل اجتماعی در واقع بدون این که سد آزادی فردی گردد به فعالیت‌های افراد جهت می‌دهد و آنها را منظم می‌نماید.

در مدارس جهت اعمال کنترل اجتماعی معلم مسؤول است که درباره افراد و موضوعات درسی دانش کافی داشته باشد تا بتواند فعالیت‌هایی را انتخاب کند که مربوط به سازمان اجتماعی که در آن افراد فرصت همکاری پیدا می‌کنند و فعالیت‌هایی که همه در آن شرکت می‌کنند خود عامل اصلی کنترل می‌باشند. همچنین مربی تا آنجا که می‌تواند علل طرز برخورد و رفتارهای متمرذانه را کشف کند.

در نگاه دیویی در مدارس جدید فعالیت‌ها جنبه اجتماعی دارند. هر یک از افراد احساس مسؤولیت می‌کنند و فرصت کافی برای کمک به آنها تأمین شده است. روی همین زمینه